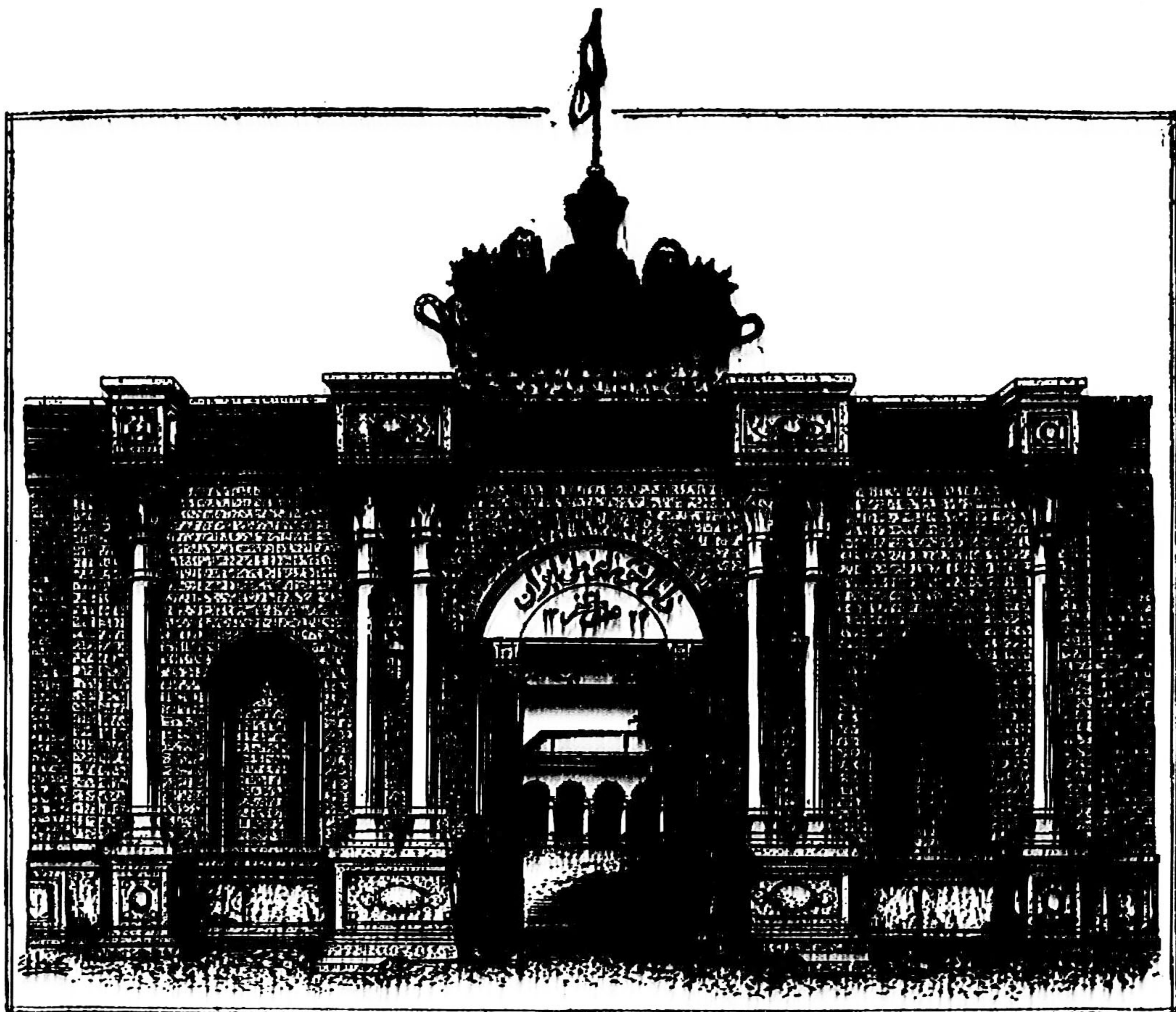


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۲۷۳</p>	<h1>تذکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۲۳۸</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنج شنبه ۱۸ اسرداد ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۲ صفر ۱۳۴۷</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مکتوبه و محضات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبوعه مجلس</p>	<p>قیمت اشتراک ایران سالانه ده تومان دوازده تومان تک شماره دریافت</p>

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	تا صفحه
۱	اصوب میرخصی آقایان بروجردي - دکتر طاهری - امیر تیمور	۴۹۴	
۲	تجدید مذاکرات نسبت بخر کبیسون داخله راجع بقانون سبیل احوال از ماده ۸	۴۹۵	۴۹۹



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۱۸ مرداد ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۲ صفر ۱۳۴۷

جلسه ۲۷۳

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان : جلائلی - امام جمعه شیراز - دکتر طاهری
 سید ابراهیم ضیاء - میر نماز - محمد آخوند - نجومی
 مقدم - نوبخت - میرزا عبدالله خان وثوق - آقا میرزا

(مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از ظهر
 بریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس یوم چهارشنبه هفدهم
 مرداد را آقای دولتشاهی قرائت نمودند)

هادم آنتیای - حاج شیخ بیات - طباطبائی و کبلی - میرزا حسنخان رنوق - حاج آقا حسین زنجانی
غائبین بی اجازه جلسه قبل
آقایان: اسدی - ذوالقدر - علیخان اعظمی - آقا علی زارع - میرزا محمد تقی طباطبائی - قوام شیرازی - مهدوی
امیر تیمور کلای - محمد تقیخانی اسعد - افسر - آقا زاده سبزواری - غلامحسین میرزا مسعود - حاج حسن آقا ملک - ایقوانی - اسکندری - محمد ولی میرزا مسعود سلطانمحمد خان عامری - حاج غلامحسین ملک - زعیم ابراهیمی

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل
آقایان: ایلخان - دهستانی - عصر انقلاب
دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل
آقایان: حاج میرزا حبیب الله امین - افخمی
رئیس - صورت مجلس اعتراضی دارد یا نه؟
(گفتند خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد چند فقره خبر کمیسیون عراض و مرخصی است قرائت میشود
(شرح ذیل قرائت شد)
خبر مرخصی آقای ثقة الاسلام نماینده محترم آقای ثقة الاسلام بر چردی بواسطه عارضه کسالت از تاریخ اول تیر ماه الی ۲۲ مرداد اجازه مرخصی خواسته اند کمیسیون با نظریه و تقاضای ایشان موافق اینک خبر آنرا تقدیم مجلس مقدس میباشد
رئیس - رأی میگیریم بمقاد این خبر آقایان موافقین قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد
خبر مرخصی آقای دکتر طاهری نماینده محترم آقای طاهری برای کار فونی خانوادگی اجازه ده روز مرخصی از تاریخ ۲۸ اردی بهشت نموده اند کمیسیون موافق خبر آنرا تقدیم میباشد
رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه با این خبر موافقت

و بد عملهای مامورین که از نقطه نظر بودن این حق انکلی بدون مجازات میباشد این حق تجدید نظر را تقاضا میکنم و مخصوصاً تقاضا میکنم که آقایان با فوریت این لایحه موافقت فرمایند و چون خیلی جزئی و مختصر است و چندین ماه هم در کمیسیون استخدام معطل بوده است همراهی فرمایند امروز بگذرد. يك فقره لایحه است راجع به اعتبارات مرابطه به پست و تلگراف اینجا بنده مجبورم يك اقراری بکنم و آن اقرار این است که امسال ما خواستیم اسلوب و وضعی را که چند سال داشتیم بهم بزایم و يك طرز نوي ایجاد کنیم در موضوع اعتبارات مخازرات ادارات دولتی بنده خودم یکی از اشخاص بودم که خیلی طرفدار این فکر بودم برای اینکه از آن ترسیدی که در این دو سه سال مجری بود وزحمانی که در ادارات تولید میکرد و همه شکایت میکردند و خود بنده هم میدیدم و تصدیق میکردم جلو گیری شود وقتی که در کمیسیون بودجه این مسئله مطرح شد بعضی از اعضاء کمیسیون با این عقیده خیلی مخالف بودند و مخالفت کردند و بنده مدافعات شدید کردم و در ضمن به آقایان عرض کردم که این يك امتحانی است و اگر این امتحان خوب نشد اصلا حش خیلی آسان است برای اینکه این قضیه چه مجانی باشد چه نباشد يك چیزی است که هم در دخل و هم در خرج مملکت به تساوی داخل میشود و هیچ ضرری به بودجه عمومی وارد نمیشود يك رقمی است که در جمع میبرند بعنوان عوائد پست و تلگراف و در خرج هم مساوی همان مبلغ به ادارات و وزارتخانهها اعتبار داده میشود. ما دو ماه سه ماه رفتیم این را تجربه کردیم و آزمایش کردیم و از نتیجه راضی نیستیم علتش این است که کنترل کردن این کار برای اینکه زیاد روی در مخازرات نکنند خیلی مشکل است و هر روز يك کشمکش هائی بین وزارتخانه ها و پست و تلگراف است مثلاً ما می بینیم از وقتی که مخازرات را مجانی کردیم تمام حکام و ولات همه مطالبشات را مجانی تلگراف میکنند. اعتراض میکنیم. البته والی

يك ابالی است. نمیرود زیر این زبار که تلگرافچی جاوی تلگراف او را بگیرد میگوید کار های ابالی و مملکتی معوق میباشد و سلب مسؤلیت از خودش میکند. وزارت داخله هم میگوید تشخیص مطالب مشکل است و بالاخره نتیجه این میشود که از یکطرف ادارات دولتی مسائل بیپوده که لازم نیست آنها را تلگراف میکنند و چون تلگرافچی ها هم مجبورند که بعد از مسائل فوری مسائل دولتی را مخیره کنند مخازرات مردم و تجارتی عقب میباشد و با بنوا سطره هم از عوائد تلگرافخانه کسر میشود و هم مردمی که مخاره تجارتی دارند صدمه میخورند. به این ملاحظه بنده در این لایحه که تقدیم میکنم تقاضا کرده ام که برگردیم به آن صورت اولی یعنی يك مبلغی اعتبار مقرر شود که این اعتبار هم در جمع بودجه ۱۳۰۷ علاوه شود و هم در خرج علاوه شود و تقسیم این اعتبار را هم وزارتخانه ها بنظر هیئت وزراء واگذار کردیم که بمقتضای احتیاجاتی که دارند تقسیم کنند در هر حال این از نقطه نظر بودجه مملکتی هیچ کم و کسری و اضافه تولید نمیکند ولی از نقطه نظر عمل برای ادارات ما مفید است این را هم تقاضای فوریت میکنم آقای وزیر عدلیه چون کسالت دارند خودشان توانستند اشرف حاصل کنند يك لایحه داشتند و خواهش کردند که این لایحه را بنده تقدیم کنم مربوط به يك اعتباری است که پارسال داشته اند و خرج نکرده اند حالا آن مازادش را میخواهند اجازه بهشان داده شود که هنوز استفاده کنند این را هم تقدیم میکنم اینها را که تقاضای فوریت کردم مؤخر قانون سرجل احوال مطرح شود

رئیس - پیشنهاد آقای استرآبادی (اینطور خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم که طرح قانونی واجبه به الغاء مالیات اغنام و احشام در درجه اول جزء دستور شود استرآبادی - دستور در مجلس عرض شده است قوانینی که از مجلس میگردد چون در تحت نظر

هفتاد نفر هشتاد نفر کمتر یا بیشتر میگذرد نقص کمزدارد و آنچه که اسباب زحمت مردم و شکایت مردم میشود از طرز اجرای قانون است نه نقص قانون و غالباً هم دیده میشود که نقص در طرز اجراء است و قانونیکه از نظر يك جمعی میگذرد کمتر نواقص پیدا میکند و اگر هم اتفاقاً يك قانونی يك نقصی پیدا کند بمحض اینکه دولت و مجلس ملتفت شد و به نقص قانون پی برد فوراً آن قانون را با نسخ میکند یا اصلاح میکند مثل اینکه قانون نك يك نواقصی داشت دولت نسخ کرد از جمله قوانینی که بعقیده بنده يك مقداری ناقص بوده و دولت هم کاملاً توجه به آن پیدا کرده است قانون میزبی است قانون میزبی يك مقداری نواقص داشت و بهمین علت هم دولت پیشنهاد اصلاح قانون میزبی را کرد اگر نقص نداشت پیشنهاد اصلاح نمیکرد بزرگتر نقص قانون میزبی بعقیده بنده و جمعی از آقایان مسئله مالیات اغنام و احشام است کسانی که با اهالی کوهپایه ارتباط دارند و از حال آنها مسبوقت میدانند که این مالیات اغنام و احشام چه مالیات کمر شکنی است مثلاً شاه کوه که یکی از محلات استرآباد است بعضی از آقایان هم مطلعند که فقط زندگانی آنها با کوسفند اداره میشود از وقتی که این مالیات اغنام و احشام بر قرار شده است اهالی شاه کوه تمام از بین رفته اند و چون اصلاح قانون میزبی از طرف دولت بمجلس آمد و مورد اختلاف آقایان واقع شد (و شاید هم موقع بود) تصور میکنم در این چند روزه با این توجه به قوانین لازمه ماموفق نشویم که قانون میزبی را اصلاح کنیم. بنا بر این بنده يك طرحی با جمعی از آقایان پیشنهاد کرده ام باقید دوفوریت و اگر آقایان موافقت بفرمایند شاید در حدود هفت هشت دقیقه بیشتر وقت مجلس را اشغال نکند و بنده يك یادداشتی هم خدمت آقای وزیر عرض کردم ایشان هم اظهار موافقت کردند با عرض بنده...

وزیر مالیه - بنده که همچو عرضی نکردم

استرآبادی - الا اینکه فرمودند بعد از اصلاح قانون

سجل احوال در هر صورت این چیزی است که خودشان هم موافقت کرده اند بنده تقاضا میکنم این طرحی را که جمعی از آقایان نمایندگان پیشنهاد کرده اند باقید دوفوریت مطرح شود و برای کفاره گناهان شخصی بنده هم که باشد تصور میکنم که این يك خدمتی است که بکمشت رعایای بد بخت را از این زحمتی که دچارند نجات میدهد

رئیس - آقای عراقی

عراقی - گر چه نماینده محترم بقدری از محسنات این طرح فرمودند که اگر بنده بخوانم یکی یکی جواب عرض کنم جلسه امروز تمام شده مگر اینکه اجلاً عرضی بکنم البته آقا تصدیق دارند به اینکه طرح قانونی دوجور ممکن است در مجلس مطرح شود و آن این است که اولاً دولت هم با ما مشورت کرده باشد و با نظریه دولت این طرح تهیه شده باشد يك قسمت هم این است که خود ما این طرح را بدهیم و دولت هم با ما مشورتی نکرده باشد و مسبق نباشد بنده خیال میکنم که این قضیه تطبیق با مورد نانی کند که بادولت مشورت نشده باشد علی ای حال چه بادولت مشورت شده باشد چه نشده باشد نماینده محترم ملاحظه میفرمایند که ماکرفنار این قانون سجل احوال شده ام و ایشان خبر ندارند که چه استثنائی از برای این قانون ما پیدا کرده ام خوب است آقا هم موافقت بفرمایند و عوض اینکه اغنام و احشام را ملاحظه میکنند انسان ها را ملاحظه کنند که الان چه حالی دارند البته بعد از اینکه این قانون گذشت اگر مجالی بود بنده هم با آقا موافقم که آن طرح جزء دستور شود رئیس - آقایانیکه با پیشنهاد آقای استرآبادی موافقت قیام فرمایند

(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. ماده راجع بروضه خوانی مطرح است

(پیشنهاد جلسه گذشته آقای کازرونی بشرح ذیل

قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که مبلغ بکهار نومان مخارج روضه خوانی از صرفه جوئیهای مملکت برداخت شود و وزارت مالیه مکلف به پرداخت مبلغ مذکور است رئیس - این پیشنهاد در روز قابل توجه شد ولی در روز نمیتوانستیم رأی بدهیم امروز باید رای بگیرییم روحی - باید برود بکمسیون محاسبات.

رئیس - مخالفی ندارد؟ چون مطابق نظامنامه است بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - ماده هشتم از لایحه سجل احوال مطرح است (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۸ - اداره کل احصائیه و سجل احوال مملکتی حق دارد که از تاریخ تصویب این قانون تا دو سال اوراق اظهار نامه و هویتی را که قبل از فروردین ۱۳۰۷ داده شده و آنها را محتاج به تصحیح میدانند تجدید نظر کرده یا اطلاع صاحب ورقه هويت تصحیح نماید و همچنین اشخاص ذی نفع اگر اعتراض بر اوراق صادره دارند میتوانند در ظرف دو سال فوق به اداره سجل احوال رجوع کرده و اعتراض خود را اظهار نمایند و اداره مذکوره اگر اعتراض را وارد دبد اوراق را با اطلاع شخص معترض تصحیح خواهد نمود

تبصره - اشخاص ذی نفع اگر اعتراض بر تجدید نظر و تصحیحی که اداره سجل احوال در اوراق کرده داشته باشند میتوانند تا دو ماه پس از تصحیح و صدور ورقه هويت جدید بمحاکم صالحه مراجعه نمایند

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - اگر چه بواسطه اینکه يك جلسه گذشته است رشته مذاکرات تا اندازه قطع شده و یادداشتی را که بنده در جواب آقای وزیر مالیه تهیه کرده بودم نمیدانم چه کرده ام ولی بطور کلی همانطور که خودشان فرمودند ام المواد اصلاح قانون سجل احوال همین ماده هشتم است اگر خوب است اصلاح قانون سجل احوال مادر همین ماده است اگر بد است در همین جا است فقط اختلاف نظر بین ما و دولت این است که این اصلاح از نظر مملکت

و از نظر مردم و از نظر دولت مضر است. عقیده دولت قبل از اینکه تجربه و امتحان هم کرده باشند این است که مفید است حالا استدلال ما روی این باید باشد که این اصلاح حتی برای دولت هم مضر است با اینکه مفید است در این جا فرمودند که نظر اصلی البته قسمت سن و قسمت اصلاحی است که مربوط به قانون نظام وظیفه ایست ولی دولت در نظر دارد که تمام اوراق خراب اصلاح شود و استدلال در مقابل این پیشنهادی که تهیه میشود بود این بود که نظر اصلی این است که تمام اوراق خراب شده اصلاح شود و طریقی هم این ماده را قرارداده بودند که بعد از اینکه ما از آقای وزیر محترم مالیه سؤال کنیم که این خرابی را کی تهیه کرده که ما بوسیله این ماده میخواهیم اصلاح کنیم بالاخره مصدر خرابی این سجل احوال کیست؟ شاید تصدیق کنند که هیچیک از افراد اهالی مملکت جز در قسمت سن که خودشان فرمودند هیچکدام راضی نیستند که اوراق غلط در دستشان باشد پس اگر در سایر قسمتهای اوراق سجل احوال هم يك خرابیهای هست از دو نقطه نظر است با عدم لیاقت مأموری است که متصدی بوده است یا عدم اطلاع و عدم علم و عدم بصیرت یا فساد اخلاق او است یکی از این دو دلیل سبب شده است که تمام قسمتهای اوراقی سجل احوال خراب شده است و فعلاً محتاج به اصلاح شده است. حالا ما میخواهیم بدست همای مأمور با يك اختیار فوق العاده وسیع نری این خرابی را اصلاح کنیم این بعقیده بنده نقص غرض است و عوض اینکه اصلاح کنیم خراب ترش میکنیم چرا؟ برای اینکه همان مأموریکه این اوراق را خراب کرده يك اختیار بیشتری باو میدهیم که این را خراب تر کند اساساً این جزء عقاید اصلی بنده است که بدترین قوانین را که در دنیا نوشته شده باشد اگر بدست مجری صالح با وسائل اجراییه صحیح بدهند خوب اجرا می شود. و بهترین قوانین را اگر بمجری غیر صالح بدهیم غلط میشود. این يك چیزی است روشن. مثل دو دونا

چنانچه عرض کردم هر قدر قانون بد نوشته شده باشد وقتی مأمورین اجرا خوب شدند قانون خوب اجرا خواهد شد ولی حالا شما آمده اید و يك قانونی را بعقیده خودتان اصلاح کرده اید و خوب هم اصلاح کرده اید حالا میدهید بدست همین مأمورینی که این قانون را به این وضعیت انداخته اند من نمیدانم چه جور حرف را باید حالی کرد که آقا همین مأمورین این قانون را خراب کردند باز هم میدهید بدستشان خراب تر کنند در يك مملکتی که خودتان تصدیق دارید که عادت به تحمل سنگینی قانون ندارند اول بایستی وسائل اجرائیه را درست کنید درست است مردم این مملکت بردارند ولی روی هم رفته به سنگینی قانون عادت نکرده اند و این قانون بخصوص را هم خود مردم باید نسبت بخودشان اجرا کنند ولی برای عادت کرده است که بروند او را بکشند و در مقابل قانون بیاورند. این بد بختی است ولی این قانون يك قانونی است که بایستی خود مردم بروند در مقابلش و وظیفه خود را اجرا کنند با این ترتیب يك سنگینی فوق العاده هم شما باین قانون اضافه کرده اید و بالاخره نتیجه معکوس خواهید گرفت و موفق با اجرای این قانون طوری (بقول اروپائیهما سوپلس و قابل تحمل) وضع کرد که هم بتدریج برقرار شود و هم مردم طاقت تحمل آن ردا داشته باشند و بمباراة آخری هم مقصود دولت بعمل بیاید و هم مقصود مردم. الان مدتی است در اطراف قانون سچل احوال صحبت میشود و اصلاحش را لازم میدانید. بالاخره واقعا چه میخواهید بکنید؟ شما قسمت مهم این قانون را که مربوط بسن است و در نتیجه مربوط بنظام وظیفه است این را در نظر بگیرید. عقیده اساسی بنده که حالا پیش نمیرود. چون شاید طرفدار به آن اندازه نداشته باشد و آن این است که شما مشمولین نظام را سانشان را باید بالا ببرید تا چهل سال. عقیده شخص بنده این است

اگر میخواهید سرباز زیاد بگیرید سن مشمولین نظام را ببرید بالا و باین قانون دست نزنید. اگر مقصودتان سرباز گرفتن است و میخواهید با اینها باین نتیجه برسید نتیجه به عکس میگیرید و بنده الان استدلال میکنم. بالاخره مأمورین نالایق یا غیر صالح کار صالح را از سن نمی شود خواست. شما میخواهید که در نتیجه پیدا کردن حقیقت سن عده نظام وظیفه نان را زیاد کنید ولی این حقیقت بیشتر گم میشود آنوقت که این اختیار و موی را نداشته این حقیقت را کم کرده و حالا شما اختیار میدهید که تعیین سن افراد و اهالی این مملکت را بکنند آنوقت سن تمام اشخاص را طوری ثبت میکنند که هیچکس مشمول نظام نشود. چرا؟ برای اینکه تا حالا که خراب کرده در نتیجه سوء عمل و گرفتن رشوه و این چیزها بوده که آن اندازه سربازی که تا حالا باید قاعده مطابق این قانون در این مملکت گرفته باشند (و بنده هم تصدیق میکنم) گرفته نشده. این خرابی حالا هم در نتیجه این اختیار وسیعی که باو میدهید میشود باز هم پول میگیرد رشوه میگیرد و او را از نظام وظیفه خارج میکند و فقط شما کاری که کرده اید این است که زحمت مجددی برای مردم تولید کرده اید. تا حالا يك عده را زحمت انداخته اید يك عده را هم بر طبق تبصره که بعد خواهد آمد برای آتیه در زحمت می اندازید. و بنده بشما قول میدهم که با این طریق يك نفر سرباز نمیتوانید بگیرید. شما اگر محتاج شده اید سیاست و وضعیت مملکت شما را محتاج کرده که يك عده سرباز زیادتر داشته باشید بنده هم موافقم بنده از اشخاصی هستم که عقیده دارم اجرای نظام وظیفه علاوه بر حفظ استقلال وطن و حفظ شرافت و آبروی يك ملتی اساساً وضعیت روحی يك جامعه را تغییر میدهد و این مردگی و خودی در نتیجه اجرای این قانون رفع میشود. این عقیده شخص بنده است و عقیده ام این است که تا چهل ساله هم باید بود در نظام و مشق کنند آنوقت بعد زنده میشود و مثل يك آدم زنده در دنیا زندگانی میکند ولی این ماده

چهار تا. که اگر هر روز هم يك قانونی را اصلاح کنیم ولی مجری قانون لیاقت نداشته باشد صلاحیت اجرا را نداشته باشد خرابش میکند. پس اگر هزار مرتبه این قانون سچل احوال را شما بیاورید در مجلس و اصلاحش کنید و دو مرتبه ببرید با این تشکیلات و باین مأمورین اجرا که الان هستند محال است اصلاح شود شما خیال میکنید که با تغییر يك رئیس اداره که سابق فلان شخص بوده و حالا يك شخص دیگری بجایش میگذازید تمام کارها اصلاح میشود؟ خیر اینطور نیست این فکر اصلاً غلط است شما اساس کارتان خراب است طرز تشکیلاتتان خراب است. مأمورینی هم که بولات فرستاده اید آنها هم خراب هستند رئیس سچل احوال هم هر قدر خوب کار کند با اندازه که مریض شود همینطور که بواسطه شدت کار مریض و ناخوش شده فایده ندارد. تا میرود آذر با بجان را درست کند بلوچستان از دستش میرود باید اساسش را درست کنید ما از روز اول گفتیم که يك مملکت به این عرض و طول را در آن واحد نمیتوانید این تشکیلات را اجرا کنید وقتی که شما تشکیلات ندارید. اسباب و وسیله ندارید. از يك گوشه مملکت شروع بکنید. همینطور که الان در شهرها این کار را میکنند. الان رئیس سچل احوال هم این را فهمیده است که اگر نخواهند بکمرتبه در يك ابائی شروع به این کار بکنند باقیامت هم موفق نمیشوند ولی بروند در يك بلوکی بترتیب سچل احوال آنجا را خاتم بدهند بعد بروند در يك بلوک دیگر و مشغول شوند در اینصورت این مملکت يك روزی سچل احوال پیدا میکند و شاید بفاصله يكسال میتواند انجام کنید و از آنطرف بمبایستی در تمام مملکت این مأمورین زیر انلی که ده دوازده تومان حقوق دارند برزید دور چند نفر اشخاصی که واقعا بشود اطمینان کرد و وجودشان استفاده کرد و واقعا بشود اطمینان کرد و بشود جان و مال و حیثیت این مملکت را در دستشان داد اینها را مسؤل اجرای این قانون قرار بدهید آنوقت

برای اینکه نمونه دست آقای وزیر مالیه باشد چون خودشان در روز فرمودند در کوران این قانون نبودند ولی بنده یکی دو سه مثل عرض میکنم اگر نظرتان باشد يك وقت در نظر گرفته بودند که رئیس سچل احوال هر محلی حاکم آن محل باشد و بداهة هم بد فکری نبود ولی دیگر نمیدانستند که حکام (البته همه را نمیکویم رای اینکه مخصوصاً این اواخر حکام وولایة خوب قانونی داریم) ولی امضی حکام سابقان که خدای نکرده سوء بودند آنها بعد از آن وسیع تر بود و فوائد بیشتری میبردند بنده خودم سراغ دارم که یکی از حکام که شاید در آینه شرف همکاری هم با آقایان پیدا کند از امر سچل احوال يك محلی دوازده هزار تومان استفاده کرد که بودند بکده که او را ببرند پای محاکمه و استنطاق و ثابت کنند این یکی از مامورین سچل احوال بود. یکی دیگر از مامورین که گویا اجل مهلتش نداد (آقای ملک آرائی میدانند) شنیدم در دوره گذشته علاوه بر اینکه در نتیجه مأموریت سچل احوال شش هزار رای برای خودش نهیه کرده بود شش هزار سه قران هم گرفته بود ولی اجل مهلتش نداد این جور چیزها است که خراب میکنند کار را مسئله انتخابات و سیاست و طمع مخلوط میشود بهم. بالاخره همانطور که عرض کردم يك قانونی که باید نظام اجتماعی يك مملکتی را تدوین کند این را بدست این مامور میدهد که از ریشه نظام ما را خراب میکنند خلاصه بیش از این تصدیق نمیدهم نظائر خیلی دارد الان در دو سه روز پیش یکی از دوستان بنده يك تلگرافی که از شیراز برایشان آمده بود به بنده ارائه دادند که مامور سچل احوال رفته در خانه يك بیچاره و زن او را که هفت سال در خانه اش بوده بمنوان اینکه ورقه سچل احوال خراب است حبس میکنند الان در شیراز از دست مفتش سچل احوال داد و فریاد بلند است و شاید تلگراف به آقای وزیر داخله هم رسیده باشد. آقای مناصر السلطان هم میدانند بنده بقین دارم و تصدیق میکنم که هیچوقت اداره سچل

واجب کفالتی نسبت بخودش تصور کنند و عینش را دیگران انجام بدهند یعنی سربازی را دیگران عهده دار شوند. در سابق این طور گفتند که میرزا آقایی خان امیر کبیر آمد این قانون اصول بنیچه را برای این مملکت وضع کرد روی این فکر که هر کجا مردمانش شجاع تر ورشید ترند آنها بیایند سرباز شوند آنجاهاست که مردمانش ضعیف النفس ترند و شجاع نیستند آنها مالیات بدهند. در بعضی هائی که قبلاً شده و در بنیچه بندهای سابق اگر يك دفعی شود تصدیق میفرمائید که این معادله را در همان وقت در نظر گرفته اند هر جا سرباز داشته مالیاتش کم بود و هر جا سرباز نمیداده مالیاتش خیلی سنگین بوده. مالیات بزد خیلی سنگین است جزو جمعش را نگاه کنید باندازه نصف خراسان مالیات دارد چرا برای اینکه سرباز نمیداده در خود خراسان هم يك جاهائی که سرباز میداده مالیاتش کم بوده و جا هائی که سرباز نمیداده سنگین تر بوده ولی در این عصر فلان ولایت مردمانش رشید و شجاعند، آذربایجان رشید است، ملابری شجاع است باید سرباز بدهد ولی بزدی و کاشی رسو است ندهد این تفاوت از بین رفته گفتند نباید امتیازی بین شهرها و دهانها قائل شد. شهرها میگویند ما باید از خدمت سربازی معاف باشیم و دهانها را از پشت گاو آهن بیاورند ببرند سرباز خانه و شهریها راحت باشند این هم يك اصل غلط و ظالمانه است. ماها که نماینده ولایات هستیم بهتر این قضیه را مسبوق هستیم که قانون بنیچه و تربیت گرفتن آن چیست. الان سربازهای شش ساله هفت ساله بنیچه در سرباز خانه هستند برای اینکه عده که از اجباری آورده اند سر جای آنها را بر نکرده. فترت هم که در قشون جائز نیست و نمیشود تشکیلات قشونی را منحل کرد تا چار باید بتدریج سربازان وظیفه بیایند و جای سربازان بنیچه را بگیرند و آنها را مرخص کنند. دهانها دارد این مملکت که الان صد و پنجاه نفر سکنه ندارد بنیچه اش هم صد و پنجاه نفر بوده است خرابه شده و برانه

شده هیچکس هم غصه آنها را نمیکورد و بجه پاره نمیکرد وقتی که نوبت به شهرها رسید گفتند آقایان شهریها شما هم باید پیش دهانها شرکت کنید در انجام این وظیفه ملی در تمام مراسم هم دفاع ملی داشته باشید اینها را هم نوشته بودیم ولی چون تماس پیدا کرد با منافع خصوصی و دیدند این واجب چندانی کفالتی نمیشود و دارد واجب عینی میشود انواع و اقسام اشکال تراشها برای جلو گیری از این موضوع کردند. منجمه از برای فرار از سربازی در موقع گرفتن سچل احوال شروع کردند يك تقلباتی تصدیق میفرمائید همانطوری که سایر آقایان مواجه هستند با يك سلسله شکایات و تعرضات ماها هم مبتلا هستیم دو سال هم هست در آن حدودی که بنده نماینده اش هستم سرباز اجباری گرفته شده این فرمایشانی که آقای شیروانی کردند سر جای خودش صحیح است فرمایشانی هم که حضرت والا کردند همه اش صحیح است چیزی که هست مردمی که میخواهند از زیر بار این قانون خلاص شوند پول میدهند رشوه میدهند صداشان هم در نمی آید چرا برای اینکه منفعتشان است حالا ما نمیخواهیم بگوئیم که مأمورین دولت تمام صالح و بالاخره از اشخاصی باشند که فوق العاده طرف اطمینان باشند که هیچگونه خیال دزدی و خیانت و ارتشاء نمی کنند آن ها را مأمور سچل احوال کنیم و بروند اوراقی نهیه کنند و بدهند بدست مردم این از نقطه نظر تئوری خیلی خوبست امتحان کردید در این مملکت تشکیلات قضائی را. برای تشکیلات کوچک قضائی افرادی که لازم بود نداشتید و اگر يك اشخاصی هم داشتید در این مملکت که دارای صفات مخصوصی بودند در قسمت عالی تشکیلات قضائی واقع شده بودند و توقع و طمعشان زیاد بود ولی در قسمت های کوچک قضائی آنطور اشخاصیکه لازم بود پیدا نشد و اگر يك اشخاصی پیدا شدند در عمل دیده شد که لیاقت و صلاحیت نداشتند و انتقالشان دادند بجای دیگر وقتی که شما برای تشکیلات قضائی افراد صالح و کامل ندارید برای تشکیلات

سجل احوال و دادن اوراق هويت بدست اشخاص قطعاً نداريد . . .

شيروانى - اين مهمتر است

ياسائى - نه اين قدر ها مهم نيست . خودتان ميگوئيد در صورت اختلاف بروند بعديه رسيدگى كنند اگر مهم تر بود بعديه مراجعه نميكرديد . قوه قضائيه در برابر سجل احوال نيست در برابر مجلس شوراي ملي و دولت است . خلاصه اينكه شما از نقطه نظر صحت عمل مأمورين سجل احوال صرفاً بخواهيد يك قانوني را اجرا كنيد تصديق كنيد عملي نيست آن طور مأموري كه دلتان مي خواهد محيط آنطور تربيت نكرده افراي كه مي آيند از همين مردم هستند ملائكه نيستند از مالك خارجه هم كه نميتوانيد استخدام كنيد آنها هم كه مي آيند مي بينيم انقدر ها تفاوتي با افراد اين مملكت ندارند و بالاخره شما اگر بخواهيد مملكت قشون و سرباز داشته باشد و قشون و سر بازش زياد شود ناگزيريد يك تدابيري كنيد كه از نفرت قشوني كم نشود يك فكري يك طريقه پيشنهاده كنيد يك پروژه بياوريد و بفرمائيد كه از اين طريق اگر سرباز بگيريد بالاخره قشون ما زياد شود و مشكلاتي هم براي مردم فراهم نميشود شما خودتان فرموديد كه بنده اجازه ميدهم كه از بيست و يكساله تا چهل ساله باشد آنوقت اينها راضي هستند و بيست و پنج ساله ها از بنده و جنبه عالي راضي نيستند بالاخره اين حرفهائي كه ما ميزنيم از نقطه نظر عدم رضابت يك عده است و حالا اگر ما نوسعه بدهيم و بگوئيم بيست و پنج ساله و سي ساله و چهل ساله هم بيايند روي كار عدم رضابت بيشتر ميشود و البته اگر قضاوت از روي عدم رضابت يا رضابت شود چندان صحيح نيست ولي از لحاظ مصلحت مملكت بايد يك رويه اتخاذ كرد كه قشون مملكت زياد شود . موفقيت اين مملكت حواشي اين مملكت موقعيت كثوني دنيا بما حكم ميكند و پشت گردنمان ميزند كه بايد قشون را زياد

فوق منقضى شده است اوراق سابق باعتبار خود باقى است آقا سيد يعقوب - بنده در كميسيون داخله رفتم باعضاش عرض كردم كه اين پيشنهادهي كه ما كرديم نوافق دارد با قضاياي قضائي كه نسبت به ثبت اسناد معمول است . هرچا قانون حق اعتراض به معترض داد بابت سابق نسبت بحال خودش باقى باشد تا اينكه بر اعتراض او حكومت وارد شود ما بداره سجل احوال حق داده ايم كه در اين ورقه نظر بكنند در اين ورقه كه غلط صادر شده قانون حق ميدهد كه تجديد نظري نسبت بان بكنند و رجوع بكنند محكمه پس چون قانون اين حق رجوع را محكمه باو ميدهد مقتضى است كه ورقه سابق بحال خودش باقى باشد تا حكم صادر شود . بنده مطابق موازين قضائي و نظري كه دارد پيشنهادهي كردم و به آقاي مخبر عرض كردم به اعضاء محترم كميسيون داخله به آقايان وزير ماليه و داخله هم عرض كردم گمان ميكند اين يك قدمي است (بقول آقاي شيرواني اقل ظلماً) كه رو باصلاح ميرود .

وزير ماليه - چون پيشنهادهي كه نماينده محترم كردند يك پيشنهادهي منطقي است و شايد با مختصر اصلاحي بشود با او توافق كرد بنده موافقت ميكند ولي براي اينكه وجه جمعي بشود بنده از مقام رياست تقاضا ميكند كه اين پيشنهادهي را مؤخر از ساير پيشنهادهي ها بدارند تا تكليف آنها قبلاً معين شود بعد اين اصلاح بشود .

رئيس - پيشنهادهي آقاي مدرس

(مضمون ذيل قرائت شد)

پيشنهادهي ميكنم ماده ۸ بطريق ذيل نوشته شود ماده ۸ - اداره سجل احوال هر حوزه ميتواند تا يكسال از تاريخ تصويب اين قانون تا يكسال اوراق اظهار نامه و هويتي را كه قبل از فروردين ۳۰۷ داده شده و سن را به ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ تشخيص داده تجديد نظر نموده با اطلاع صاحب ورقه و رعابت آنچه در ماده اول ذكر شد اصلاح و تصحيح نمايد الى آخر .

رئيس - آقاي مدرس

مدرس - البته در پيشنهادهي نبايد زياد صحبت كرد

ولي چون مسئله مهم است اگر صحبتى داشته شود انشاء الله الرحمن ضرري ندارد . اولاً سابقاً عرض کرده ايم باز هم عرض ميكنم كه مملكت ديانت ميخواهد مملكت قشون ميخواهد مملكت هم سجل احوال ميخواهد ، احصائيه ميخواهد ، اين گفتگو ندارد و محتاج بدليل و برهان و اينها نيست قضيه قياسانها معها ولي ما داريم لاصولوه الا بحضور القلب يعني من نماز بكنم ولي حضور قلب نداشته باشم اين شكل است حقيقت نماز نيست . من شايد آقايان خيليشان تصديق دارند كه در اين فكر يا شريك الفكر بودم يا مؤسس الفكر ولي اين فكري كه من مؤسس بودم يا شريكش بودم قوانيني بود در اين مملكت كه حس سرباز بودن را درست ميكرد نه فقط سرباز درست ميكرد حس سرباز بودن درست ميكرد . قوانين همه روي اين اساس بود . قدم نظام روي اين اساس است . حالا در آن مسئله پر وارد نميشوم . يك قانوني گذشت قانون نظام اجباري . اين قوانين هم از متفرعات اوست . به بينيم آيا اين قوانين اين جورى كه متداول شده است و ميخواهيم بگذرانيم آن نتيجه را ميدهد . بعقيده من تا حال آن نتيجه را نداده است روش و رنجش را جورى رنجته ايم كه آن نتيجه را بدهد مملكتي كه يك ميليون سرباز داشته باشد بهتر از اين است كه يك كرور داشته باشد ولي حس سرباز بودن مفيد است نه سرباز بودن . حس سرباز بودن . اين قانون كه شما باين سختي مينويسيد اين نتيجه را نميدهد . بايد قانون را طوري نوشت كه اين نتيجه را بدهد . اگر يك ميليون قشون داشته باشيم و حس سرباز شدن در اينها نباشد يك نفرشان بدرد نميخورد . اما اگر قانون را جورى نوشتيد كه نتيجه اش حس سرباز بودن درست شد اين بدرد مملكت ميخورد . اين بدرد حفظ مملكت ما ميخورد . اين ما را نگاهداري ميكند . آقايان روشي كه در اين قوانين ايجاد کرده اند روش سختي است و آن نتيجه منظور و مقصود را نميدهد . اين ماده كه اسمش را گذارده اند ماده اصلاحي بعقيده من

بشود. حالا اگر این پیشنهاد را قبول بفرمایند باضمیمه آن پیشنهادی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند در تبصره، بعقیده بنده این ماده کم ضرر میشود و مقصدی هم که دولت دارد حاصل میشود. آقای وزیر عدلیه که میگفتند از ۲۴ بروید ۲۵ و بیست و شش حالا بنده یکسال کم و زیاد را اهمیت نمیدهم ولی فی الجمله دایره را باید کوچک کرد حالا يك کسی بیست سال داشته نوزده سال نوشته اند دیگر میآید. این يك اهمیتی ندارد که حالا ما بخواهیم مورد مذاقه قرار بدهیم و اما انحصار کردن بر پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب که همه بروند محاکم آقا محاکم کجا؟ مردم کجا ملتفتند و کجا دستشان میرسد که هر کس از مأمورین سبجل احوال شکایت دارد برود محاکم؟ این يك مسئله است که خیلی خوب است مطابق سلیقه ولی نتیجه اش خیلی کم است

وزیر مالیه - این پیشنهاد که نماینده محترم میفرمایند سابقه مذاکرات دارد در ضمن صحبت دیروز هم بنده خودم اشاره باین مطلب کردم که اگر منظور فقط اصلاح مطلب از نقطه نظر سرباز گیری باشد شاید نا حدی این پیشنهاد این نظر را حفظ میکنند ولی يك عیب دیگر هم هست آنرا هم بایستی عرض کنم. دیروز عرض نکردم این عیب مشکل بودن اجرا است. آقایان شکایت میفرمائید از اینکه قانون خوب اجرا نمیشود مأمورینی که باید اجرا کنند آنطور که باید از حیث اخلاق از حیث دانائی و فهم کامل نیستند و يك سوء جریانهائی در کار پیدا میشود خوب خودشان باید تصدیق بفرمائید که بابك همچو وضعیتی بنده همیشه عرض میکنم اساس این را نمیخواهم مدعی شوم که تمام مأمورینی که در این کار هستند از حیث اخلاق مهذب ترین مردمند و از حیث فهم فہم تر مردمند ولی از آنطرف شما باید فکر کنید که اگر قوانین را مشکلتر بکنیم آنوقت مأمورین اگر خوب هم باشند نمیتوانند اجرا کنند و دچار اشکال میشوند. قانون را هر قدر ما ساده تر کنیم آسان تر کنیم بهتر است و البته اینجا دو نکته است که بنده مجبورم يك اشاره مختصری بکنم یکی مسئله است که

هر جوری درستش کنیم زحمت دارد اینهم که میخواهیم درست کنیم یعنی با نبر سر را بزیم یا اره ببریم. حالا اره بهتر از نبر است یا چاقو بهتر از نبر محاکمه است رجوع کردن سبجل احوال هائی که گذشته است مأمورین رجوع کنند یعنی يك محاکمه کنند يك رسیدگی کنند يك نتیجه بگیرند ما با آقای شیروانی و دیگران در این زمینه يك پیشنهاد اصلاحی کردیم که مأمورین سبجل احوال را وزارت داخله از متقاعدین حوزه یا منتظرین خدمتی که رتبه ۵ بیلا دارند تشکیل بدهند آقایان بکلی اورا از بین برند هر قانونی که از مجلس میگذرد محل ابتلاء میشود با متعلق به مال مردم است یا بجان مردم است یا بعرض مردم است قانون سبجل احوال هم مربوط بمال است و هم بجان است و هم بعرض. لذا باید تمام جهات را مراعات کرد در این ماده بعقیده ما این اختیاراتی که داده شده بر خلاف همه مقصود است لذا من از باب لایبندی و ناچاری گفتم این سبجل احوالهای سابق هیچده ساله را نوشته نوزده ساله یا نوزده ساله را نوشته هیچده ساله. این امسال نمیرسد سربازی سال دیگر میرسد. این لزومی ندارد که رسیدگی کنند و زحمت بیندازند. اما بیست و دو ساله بیست و سه ساله و بیست و چهار ساله شاید این بیست و سه بوده بیست و سه ساله نوشته اند این را نمجدید نظر کنند و بترتیبی که در ماده اول ملاحظه فرمودید نگاه کنند، بینند اگر عیبی دارد عیب را رفع کنند. اما از بیست و شش و بیست و هفت بانطرف و نوزده و هیچده و هفده چندان نمره عملی ندارد غیر از زحمت بلی آقای وزیر مالیه فرمودند که نتیجه سبجل احوال منحصر باین فائده نیست اگر حقیقه سبجل احوال خوب داشته باشیم يك فوائد زیادی دارد که یکیش این است ما خواهش داریم از دولت که از این بیعد تمام این کارها را انجام بدهند. تمام فوائد سبجل احوال را از مورد حسب و نسب و سبجل زائیدن و بزرگ شدن و تحصیل کردن همه صفات کلیه و جلالیه را از این بیعد منظور کنند نسبت بفروردین بیعد و متولدین حالیه این کار تمام

و با تنقید درست نمیشود این يك نکته، نکته دیگر که آقای مدرس اشاره کردند که سبجل احوال و قوانین نتیجه مطلوبه را حاصل نمیکند. بایستی در قانون سرباز گیری حس سربازی پیدا کرد بنده کاملاً با آقای مدرس موافق هستم چیزی که مطلوب است حس سربازی است. . . . مدرس - حالا با هم میرویم بیخ شاه اگر کسی دلش خواست سرباز بشود!

وزیر مالیه - این حس سربازی را آقای مدرس قوانین در هیچ مملکتی ایجاد نکرده. بزور قانون بزور ماده قانون هر قدر خوب باشد و مجربش خوب اجرا کنند حس حقیقی سربازی تولید نمیکند حس اجتماعی تولید نمیکند. چه چیز حس سربازی تولید میکند؟ آن حرف و تبلیغ و تربیت است متأسفانه عوض اینکه حرفهائی که از تمام مراکز داخل و خارج زده میشود كلك بکند باینکه این حس را تولید بکند تمام این حس را خفه میکند. يك روز بعنوان این است که مأمورین سبجل احوال پدر مردم را در آورده. يك روز بعنوان این است که مأمورین سرباز گیری چه کرده. قانون را درست بکنید بد اجرا میکنند باین حرفها باین پرپاگانها و تبلیغات اصل آن حس را از بین میبرند! تولید حس نه بزور قانون میشود نه با اجرای قانون. تولید حس کردن با تبلیغ، با تشویق با دعوت مردم است باینکه بیایند و قائل شوند باینکه این وظیفه و وظیفه مملکتی است و ملی است و همه باید انجام بدهند. آقا نمیشود يك حقایقی را اظهار کرد و مسائلی را تصدیق نمود آنوقت در اطراف کار با يك حواشی و عوارض و پهلوها بکلی قانون را از بین برد. بنده میشنوم اصلاح قانون سبجل احوال موافق دارد خوب این قانون اصلاحش باین میشود که اوراق هویت عملاً اصلاح شود این نه برای بیست و دو سال است نه برای بیست و سه سال نه برای بیست و چهار سال. . . .

مدرس - ما گفتیم مأمورین را عوض کنید وزیر مالیه - داد نرید آقا با این حرفها قانون سبجل

آقای شیروانی اظهار فرمودند آقای مدرس هم تأیید کردند و آن این است که این اصلاحی که ایشان کرده اند تقلیل ضرر است با بقول آقای شیروانی تقلیل ظلم است خوب مانع ندارد آقایان کامل کنید چرا رفع ظلم را بطور کامل نمیکند؟ ما اینجا همیشه مواجه هستیم باین وضعیت و این نحوه فکر واقعاً چیز عجیبی است و آن این است که میگوئیم این کار خوب است، قشون برای مملکت از فراض است و باید زیاد کرد، يك میلیون باشد بهتر از پانصد هزار تا است اما ولی با آن (ولی) ها با آن (اما) ها بکلی اصل مقصود را از بین می برند. . . .

شیروانی - این ماده شما اصل مقصود را از بین میبرد وزیر مالیه - اگر کسی قائل باین است که نظام وظیفه در این مملکت لازم است و این مملکت قشون میخواهد باید فکر کرد دهد اگر يك راه بهتری هست اگر راهی برای قشون گیری غیر از سبجل احوال هست آقا پیشنهاد کنند آنوقت سبجل احوال را باید گذاشت کنار و گفت از این راه بروید قشون بگیرید و سبجل احوال هم نمیخواهیم پنجاه سال دیگر صبر میکنیم تا وقتی که مردم ما تربیت شوند و افکار ما بهتر شود تا اینکه امروز بتوانیم سبجل احوال خوب داشته باشیم این منطقی است ولی اگر يك راه دیگری پیش پای من آن موافق با گرفتن قشون آن موافق با داشتن يك میلیون قشون غیر از سبجل احوال نمیکند بنده بسبجل احوال قائل میشوم سبجل احوال را هم چکار کنیم؟ آقایان قائلند که مأمورین بند اجرا خواهند کرد پس این تمام است حکمت و قضیت بذلک را هم آقای مدرس پشت سرش بفرمایند

مدرس - بقدری که مأمور دارید اجرا کنید. وزیر مالیه - این يك مسئله است که باید در تمام نقاط این مملکت عرض و طویل دفتر سبجل احوال درست کرد نسبت باین مردم و ورقه داد این طبیعی است اگر راه اصلاح برایش دارید بگوئید بانفی و باینکه بدمت

احوال از بین نبرد. مجلس هم نمیگذارد با این حرفها قانون سجل احوال از بین برود. اصلاح قانون سجل احوال باین صورت باید بشود همه اوراقی هم که در این مملکت داده شده باطل نیست. الان بنده تحقیق کرده ام ناحیه بروجرد نام درست است چه لزومی دارد تجدیدش کنند...

مدرس - بجهت اینکه پنجاه ساله را بیست و یکساله نوشته اند.

وزیر مالیه - شما هم این اظهاری که میکنید مبتنی بر هیچ سند و مدرکی نیست. آنجا هائی که پنجاه ساله را بیست و یکساله نوشته اند یا بیست و یکساله را پنجاه ساله نوشته اند آنجا ها را باید عوض کرد. بیست و سه ساله و بیست و چهار ساله و بیست و پنجساله را عوض کنیم این خودش تولید يك مشکل تراشی میکند که اسباب زحمت در موقع اجرا میشود. بگوئید همه را عوض کنید چرا این حرف را نمیزنید؟...

مدرس - بسیار خوب

وزیر مالیه - بهترش این است که همه را عوض کنند خرجش زیاد تر میشود. پول بیشتر باید داد وقت قدری بیشتر تلف میشود ما از این راه با شما موافقت میکنیم ولی از يك طرف شما میفرمائید قضیه باید منطقی باشد رسیدگی بورقه راهش همان رجوع بحکمه است.

پیشنهادی که آقای آقا سید بعقوب کردند خوب است من هم موافقم اگر مقصود حقیقه پیدا کردن يك راهی است برای اینکه نامین بیشتر بشود اطمینان بیشتر بشود این پیشنهاد منطقی است بنده هم با شما موافقت میکنم یعنی شما در قانون آمده اید مدت دو ماه برای آن کسی که ورقه اش را سجل احوال تصحیح کرده اصلاح کرده فرصت دادید در مدت دو ماه برود در محکمه اعتراض کند...

مدرس - کدام محکمه؟

وزیر مالیه - خوب شما منکر همه چیز هستید پس اساساً بگوئید این مملکت تشکیلات نمیخواهد. مقصود

قانون نظام وظیفه بود. نجد بد نظر شود ولی نسبت به قبل از آن چون محتاج نیست بحال خودش باقی باشد مخیر - چون منظور هم همین بوده است که آقای پیشنهاد فرموده اند از اینجهت بنده قبول میکنم

پیشنهاد آقای مالک مدنی

بنده پیشنهاد میکنم در ماده هشت مدت دو سال بیک سال تبدیل شود

رئیس - آقای مالک مدنی

ملك مدنی - ماها که این مذاکرات را کردیم همه نظر مساعد و موافق داریم. بچيك با نظام مخالف نیستیم بنده پیشنهاد کردم که مدت دو سال بیک سال تبدیل شود برای اینکه مدت خیلی زیاد فاصله نشود و زود تر این اوراق بگذرد و خاتمه پیدا کند و تصور میکنم آقای مخیر هم خوبست موافقت بفرمایند

مخیر - بنده قبول میکنم که دو سال تبدیل شود به يك سال و در دو نقطه این اصلاح باید بشود یکی در سطر دوم و یکی هم در سطر چهارم.

پیشنهاد آقای دهستانی

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۸ در سطر دوم قبل از فروردین ۱۳۰۷ حذف و بجای آن نوشته شود از تاریخ شروع باجرای قانون نظام اجباری داده شده. و آنها را محتاج بتصحیح میدانند الی آخر.

دهستانی - مسترد میکنم

پیشنهاد آقای حق نویس

این جانب پیشنهاد میکنم ماده ۸ اینطور تنظیم شود اداره کل احصائیه و سجل احوال مملکتی حق دارد که از تاریخ تصویب این قانون تا دو سال اوراق اظهار نامه و هویت هر ناحیه که قبل از فروردین ۱۳۰۷ داده شده و اوراق آن ناحیه را محتاج بتصحیح میدانند اوراق همان ناحیه را تجدید نظر کرده الی آخر

رئیس - آقای حق نویس

حق نویس - چون نظریاتی که راجع باین قانون است بیشتر متوجه سوء ظن درباره مأمورین است و گفته

میشود که مأمورین اکثر اختیاراتشان را سوء استعمال میکنند. بنده برای اینکه این نظر نامین شده باشد از این جهت پیشنهاد کردم همان طور که خود آقای وزیر مالیه هم در تفریرات خودشان در جلسه گذشته فرمودند یکی از اقسام این است که ناحیه مورد تجدید نظر قرار داده شود یعنی اگر خود اداره کل احصائیه متوجه شد که فلان ناحیه خیلی خراب است اولاً حق تجدید برای اداره کل باشد نه برای هر مأمور (بطوری که هر شخصی هر روزه بتواند عمیل خودش تجدید نظر کند) این حق برای اداره کل باید باشد. در این صورت البته مأمورین کمتر میتوانند از اختیارات خودشان سوء استعمال نمایند. اگر در يك ناحیه اوراق غلط صادر شد تجدید نظر باید مربوط بخود اداره باشد لهذا بنده این پیشنهاد را کردم

مخیر - عبارت ماده تصریح دارد که این حق با اداره داده میشود نه به مأمورین. ولی برای اینکه قضیه کاملاً روشن شده باشد که از هر حیث رفع نگرانی نماینده محترم هم بشود بنده با مفهوم پیشنهاد نماینده محترم موافقت میکنم ولی چون مقصود اصلاح هر حوزه است لذا میکنم موافقت بفرمائید نوشته شود اوراق اظهار نامه و هویت هر حوزه را که پس از خرداد ۱۳۰۴ داده شده و آنها را محتاج به تصحیح میدانند تجدید نظر نماید.

حق نویس - بنده هم قبول میکنم.

پیشنهاد آقای آقاسید بعقوب

پیشنهاد میکنم در آخر نبره ماده ۸ این عبارت اضافه شود. و ناحکم از محاکم مزبور صادر بامدت دو ماه فوق منقضی نشده است اوراق سابق باعتبار خود باقی است.

مخیر - بنده قبول میکنم.

رئیس - سه فقره اصلاح شده است. یکی از طرف آقاسید بعقوب. یکی پیشنهاد آقای حق نویس و یکی هم مال آقای عراقی.

خطیبی - یکی هم مال آقای مالک مدنی بود.

وزیر مالیه - بلی تبدیل دو سال به يك سال.

باسائی - بنده عرض دارم .

رئیس - بفرمائید .

باسائی - در آخر ماده اینطور نوشته شده که اگر اداره مذکوره اعتراض را وارد دید اوراق را با اطلاع شخص معترض تصحیح خواهد کرد . این جمله با آن پیشنهادی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند متناقض است برای اینکه مأمور حق داده مادام که اوراق را تصحیح ندانست تصحیح کند بعد معترض اگر حرفی دارد برود و اعتراض بدهد و حکم صادر کند . بنده عقیده ام اینست که عبارت پیشنهادی آقا سید یعقوب باید اصلاح شود و الا با ماده تناقض دارد . در هر حال با بنده درست نمیفهمم و با محتاج اصلاح است

وزیر مالیه - گمان میکنم نماینده محترم قدری دقت فرمودند و بعقیده بنده تناقض ندارد .

بصره این است که : اشخاص ذی نفع اگر اعتراضی بتجدید نظری که اداره سجل احوال در آن باب کرده داشته باشند این مرحله اولش است که اگر مأمور سجل احوال يك اوراقی را غلط دانسته بتواند تصحیح کند آنوقت اگر نسبت بآن اعتراضی دارد و یا این ورقه ثانوی را که مأمور صادر کرده غلط میدانند میتوانند اعتراض بدهد . در قسمت دیگر دارد که پس از صدور ورقه معترضین میتوانند تا دو ماه به محاکم صالحه مراجعه کنند این دو قسمت راجع به بصره بود آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد کرده اند تا وقتی که این حکم صادر نشده و یا مدت دو ماه منقضی نشده این ورقه جدیدی که از طرف مأمور صادر شده معلق باشد و آن ورقه سابق اعتبار داشته باشد تا از محکمه حکم صادر شود . و در حقیقت مقصود این است که این اوراق جدید بحال وقفه بماند و اوراق سابق بقوت خودش باقی باشد تا محکمه ثانوی از محکمه صادر شود

پیشنهاد آقای فیروز آبادی :

پیشنهاد میکنم که عبارت تا يك ماه بصره ۲ تبدیل شود تا سه ماه .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عقیده ام این است اگر الشاء الله ما يك کاری میکنیم که تمام مردم با کمال ذوق و شوق وارد خدمت نظام شوند خیلی مفید تر است . و باید يك ترتیبی کرد که اطراف کار را ملاحظه کنیم که اسباب زحمت مردم فراهم نشود .

در بصره نوشته اند اشخاصی اگر اعتراضی بتجدید نظر و تصحیحی که اداره سجل احوال در اوراق کرده داشته باشد می توانند تا دو ماه پس از تصحیح و صدور ورقه هويت جدید بمحاکم صالحه مراجعه نمایند . این يك ماه و دو ماه که معین شد ، شاید در شهر اشکالی نداشت در دهات و قراء بارهاهی دور مردم نمیتوانند در این مدت کم اطلاع پیدا کنند و وسایل دسترس ندارند از این جهت بنده عقیده ام این است که اگر بتجدید نظری شود باید مدت را قدری زیاد کنند تا مردم وقت داشته باشند .

مخبر - مقصود نماینده محترم این است که مدت بقدری باشد که مردم بتوانند اعتراض خودشان را بدهند بنده تصور میکنم برای اشخاصی که حقیقتاً اعتراض داشته باشند و بخواهند اعتراضی بدهند بد است دو ماه بلکه يك ماه هم کافی باشد و این اشکالی ندارد خوب است آقا مسترد بدارند .

فیروز آبادی - بسیار خوب مسترد میدارم .

رئیس - آقای فیروز آبادی پیشنهاد کرده اند این ماده حذف شود . آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - چون این پیشنهاد را نتوانند آن را پس گرفتند و الا بنده باین ماده قائل هستم

رئیس - در ماده هشتم دو سه فقره اصلاح شده که خود آقای مخبر باید بنویسند . اجازه میفرمائید بماند برای بعد از تنفس ؟

وزیر مالیه - نوشتند و دادند .

رئیس - ماده هشتم با اصلاحات قرائت میشود .

(این قسم قرائت شد)

ماده ۸ - اداره کل احصائیه و سجل احوال بملاکتی

بصره ۲ - اعتراضاتی که نسبت بسن باشد باید در ظرف يكماه پس از صدور ورقه هويت بمحاکم صالحه اظهار شود پس از انقضای مدت مزبور راجع به سن اعتراضی پذیرفته نخواهد شد

بصره ۳ - در محاکم صالحه برای رسیدگی باسناد سجل احوال نماینده سجل احوال اقامه دعوا و مدافعه خواهد کرد و اداره سجل احوال از نایبه مخارج عدلیه معاف خواهد بود .

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بدو عرض میکنم از اینکه آقای وزیر مالیه همه را با يك چوب از میدان راندند متأسفم ایشان يك فرمایشاتی فرمودند که همه را از بین بردند بنده که از مخالفین آن ماده هشتم بودم هدف فرمایش ایشان نبودم اگر هنوز ایشان تردیدی دارند که بنده مخالف سجل هستم و میخواهم این قانون را از بین ببرم بنده بایشان قول میدهم که خیر همچو نیست و بنده نمیخواهم این قانون از بین برود و از اول هم اگر نظرشان باشد در دوره پنجم بنده مدافع این قانون بوده ام تا این حال نماینده سبب بی لطفی ایشان نسبت به بنده چه بود که عصبانی شدند و بنده را هم با يك چوب از میدان بردند عیبی ندارد گفته باشند ولی عرض میکنم تمام آن معایبی که آن ماده هشتم نسبت به گذشته داشت این بصره نسبت به آتیه دارد بنده از اول تا آخر گفتم که اگر میخواهید سرباز زیاد کنید سن را بالا ببرید . و اگر قسمتهای دیگر هم يك عیب هائی دارد مربوط بطرز اجرای خودشان است ، باید اعلان کنند . ترتیبات را اصلاح کنند . فرضاً چهار روز دیر وزود شد اهمیت ندارد . برای زیاد کردن عده سرباز راهش همان است که عرض کردم یعنی عده سن را بالا ببرند .

رئیس - راجع بماده ۹ مذاکره بفرمائید

شیروانی - بنده عرض میکنم این ماده ۹ همان

معایب ماده قبل را نسبت به آتیه دارد بنده از آقای

وزیر مالیه که يك شخص منطقی هستند میخواهم سؤال

حق دارد که از تاریخ تصویب این قانون تا يكسال اوراق اظهارنامه و هويت هر حوزه را که بعد از خرداد ۱۳۰۴ و قبل از فروردین ۱۳۰۷ داده شده و آنها را محتاج به تصحیح میدانند کلیه اوراق آن حوزه را بتجدید نظر کرده با اطلاع صاحب ورقه هويت تصحیح نمایند همچنین اشخاص ذی نفع اگر اعتراضی بر اوراق صادره دارند می توانند در ظرف يكسال فوق اداره سجل احوال رجوع کرده و اعتراض خود را اظهار نمایند و اداره مذکوره اگر اعتراض را وارد دید اوراق را با اطلاع شخص معترض تصحیح خواهد کرد

بصره - اشخاص ذی نفع اگر اعتراض بر تجدید نظر و تصحیحی که اداره سجل احوال در اوراق کرده داشته باشند میتوانند تا دو ماه پس از تصحیح و صدور ورقه هويت جدید بمحاکم صالحه مراجعه نمایند و تا حکم از محاکم مزبور صادر و یا مدت دو ماه منقضی نشده است اوراق سابق باعتبار خود باقی است

رئیس - رأی گرفته میشود بماده ۸ آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده نهم قرائت میشود .

(این قسم قرائت شد)

ماده ۹ - هرگاه اختلافی راجع باسناد سجل احوال ایجاد شود رسیدگی آن در محاکم ابتدائی و در صورت نبودن آن در نزدیک ترین محاکم صالح بعمل میآید و تا موقعی که از طرف محاکم مزبوره اسناد مذکوره بموجب احکام ابطال نشود آن اسناد باعتبار خود باقی خواهند بود و فقط محاکم مذکوره میتوانند به تصحیح آن اسناد امر صادر کنند در اینصورت مأمور سجل احوال رأی محکمه را در دفتر مخصوص ضبط و در حاشیه دفتر اصلاح شده قید و بر طبق رأی محکمه ورقه جدید صادر مینماید

بصره ۱ - احکام محاکم فوق قلمی (غیر قابل استیناف و نیز) است

کم چطور ممکن است تعیین سن کسی را بعهده دیگری واگذار کرد؟ این شخص ناچاره مدارکی می تواند سن دیگری را تعیین کند مثلاً سن بنده را يك نفر دیگر چه جور ممکن است معین کند راهش چیست؟ خوب است بفرمایند تا بنده بفهمم بنده نهایت موافقت را دارم که این تبصره عملی شود ولی چون قطع دارم ممکن است عملی شود و اشکالات تولید خواهد شد و در نتیجه قانون سچل خراب میشود از این جهت مخالفم و الا تبصره بسیار چیز خوبی است

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم راجع به تعیین سن که فرمودند در این سنواتی که قانون سچل درست اجرا نشده بود برای فرار از خدمت يك فلسفه های عجیب و غریبی درست میکردند مثلاً هیجده ساله را میگفتند بیست و چهار سال دارد در این صورت گمان میکنم این تبصره اشکال را رفع کند و باید بدانند که محاکم عدلیه مخصوصاً صلحیه ها مکلفند که حقوق مردم را حفظ کنند این اشخاصی که سن را تعیین میکنند از روی يك قواعد و موازین قضائی است البته می نشینند و از روی يك مدارکی سن را تعیین میکنند و غیر از این هم راهی نیست. اگر به نظر نماینده محترم راه بهتری میرسد خوب است پیشنهاد بدهند گمان میکنم دولت هم موافقت خواهد کرد

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده تذکری داشتم درمورد جز بعنوان مخالفت راه دیگری ندارم که عرض کنم و آن این است که البته آقایان میدانند که دعای راجعه بسچل احوال در شمار دعای حقوقی است و در صورتیکه در اینجا قید نشود که قانون حکمیت شامل این دعای نیست بنظر بنده اشکال پیدا خواهد کرد. از این جهت بنده برای تذکر آقایان عرض میکنم که این تذکر لازم است داده شود. و الا با اصل موضوع موافقم

مخبر - در موقعش پیشنهاد بدهید موافقت خواهد شد جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

آقا سید بعقوب - چون ما اختیار دادیم بمأمور سچل احوال که اگر سنی را مطابق واقع ندید میتواند ورقه جدید صادر کند و با طرف هم حق اعتراض دادیم که در صورتیکه مأمور سنش را مطابق واقع و حقیقت تشخیص بداد بتواند اعتراض کند از این جهت بنده پیشنهاد کرده ام مادام که حکم از محکمه صالحه صادر نشده و بامدت اعتراض طرف منقضی نشده ورقه صادره اعتبار ندارد و همان ورقه سابق بقوت خودش باقی باشد. مخبر - بنده با مفهوم پیشنهاد نماینده محترم موافقم ولی اجازه بدهند که درست به بینم اگر اصلاحی لازم دارد اصلاحش کنم وزیر مالیه - نظر آقای آقا سید بعقوب را اصولاً تأمین خواهیم کرد. ممکن است باین طور نوشته شود که تا موقع صدور حکم محکمه یا انقضای مدت معینه اعتبار ورقه صادره قطعی نخواهد بود.

آقا سید بعقوب - بسیار خوب.

پیشنهاد آقای باسائی

پیشنهاد میکنم در اول ماده نهم اضافه شود از اول فروردین ۱۳۰۷ بعد هرگاه اختلافی راجع باسناد سچل احوال الخ رئیس - آقای باسائی

باسائی - در شور اول هم مذاکره شد که ماده نه با ماده هشت تناقض دارد برای اینکه در ماده هشت بطور اجمال تاریخ نوشته شده ولی در ماده نه بطور مطلق ذکر کرده و معلوم نیست که این اختلاف راجع باسناد سچل احوال از چه وقت اگر حادث شده باشد لهذا بنده پیشنهاد کردم که از اول فروردین ۱۳۰۷ بعد اگر اختلافی حاصل شد تکلیفش همان است که در ماده نهم معین شده

مخبر - این ماده مربوط است باوراتی که در آئینه صادر خواهد شد. و اصولاً همین نظر در کار بوده حالا اگر نماینده محترم خیلی اصرار دارند بنده با مفهوم پیشنهادشان موافقت میکنم ولی اجازه بفرمایند که عبارت قدری اصلاح شود ممکن است اینطور اصلاح شود: هرگاه اختلافی راجع باسناد سچل احوال از اول فروردین ۱۳۰۷ به بعد ایجاد شود رئیس - ماده نه با اصلاحاتی که شده قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۹ - هرگاه اختلافی راجع باسناد سچل احوال صادره از اول فروردین ۱۳۰۷ به بعد ایجاد بشود رسیدگی آن در محاکم ابتدائی و در صورت نبودن آن در نزدیک ترین محاکم صالح بعمل میآید و تا موقعی که از طرف محاکم مزبوره اسناد مذکوره بموجب احکام ابطال نشود آن اسناد باعتبار خود باقی خواهند بود و فقط محاکم مذکوره میتوانند به تصحیح آن اسناد امر صادر کنند در این صورت مأمور سچل احوال رأی محکمه را در دفتر مخصوص ضبط و در حاشیه دفتر اصلاح شده قید و بر طبق رأی محکمه ورقه جدید صادر میباید.

تبصره ۱ - احکام محاکم فوق قطعی (غیر قابل استیناف و تمیز) است.

تبصره ۲ - اعتراضاتی که نسبت بسن باشد باید در ظرف مدت دو ماه پس از صدور ورقه هویت محاکم صالحه اظهار شود پس از انقضای مدت مزبور راجع بسن اعتراضی پذیرفته نخواهد شد و تا موقع صدور حکم محکمه یا انقضای مدت معینه اعتبار ورقه صادره قطعی نخواهد بود.

تبصره ۳ - در محاکم صلحیه برای رسیدگی باسناد سچل احوال نماینده سچل احوال اقامه دعوا و مدافعه خواهد کرد و اداره سچل احوال از تأدیبه بخارج عدلیه معاف خواهد بود. تبصره ۴ - دعای فوق راجع باوراق سچل احوال از دعای حقوقی محسوب است ولی مشمول قانون حکمیت نیست. رئیس - آقای روحی

روحی - بنده میخواستم پیشنهاد ختم جلسه بکنم و جلسه آئینه موکول شود برای روز شنبه چهار قبل از ظهر چون حالا غالب آقایان خسته شده اند و وقت هم گذشته بهتر این است جلسه ختم شود. عده هم برای رأی کافی نیست رئیس - مخالفی ندارد؟

بعضی از نمایندگان - خیر رئیس - اگر بخواید روز شنبه جلسه تشکیل شود باید قبلاً جلسه خصوصی تشکیل شود. جمعی از نمایندگان - صحیح است. (مجلس مقارن ظهر ختم شد)